

بررسی فقهی و حفظ آثار باستانی از منظر فقها

نرجس خاتون سرحدی نسب^۱

چکیده

آنچه انسان به دریافتن آن از راه توجه به آثار باستانی دعوت می شود تنها تجربیات زندگی مادی گذشتگان نیست بلکه درک سنت الهی است که ثابت و ملاک صحت و سقم عمل هر قوم است. به رغم ارزش معنوی آثار باستانی (فرهنگی، تاریخی) و جایگاه مهم آن ها در هویت یابی ملی و تاریخی ما، عوامل بی توجهی به میراث فرهنگی یا غارت و تخریب آنها را می توان در نگرش های فرهنگی، اوضاع نامناسب اقتصادی، ضعف نظام حفاظتی و نارسایی ها و کمبود قوانین جستجو کرد. این تحقیق با توجه به اهمیت موضوع با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی فقهی و حفظ آثار باستانی از منظر فقها و نارساییهای موجود در آن می پردازد. عدم آگاهی از این احکام و تراحم بین مالکیت عمومی و مالکیت خصوصی نیز یکی از بحث برانگیزترین موضوعات در این زمینه است که آثار علمی آن در خصوص بزه تخریب آثار باستانی مشهود است.

واژه های کلیدی: حفظ، آثار باستانی، میراث فرهنگی، احکام فقهی.

^۱ . دانشجوی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد (۰۹۳۷۳۸۷۷۱۵۴) narges_srdn@yahoo.com

باستان شناسان و علم باستان شناسی، کمک های فراوانی در طول سالیان متمادی به جامعه بشری ارائه داشته اند تا سابقه زندگی و تمدن بشر را هرچه روشن تر نمایند. اعماق دریاها را در نور دیده اند. دل خاکها را شکافته اند. شهرهای گم شده، قصرها و معبد های ویران را از دل خاک بیرون کشیده اند. سرهای بی تاج و تاج های بی سر، گنج های بی گنجور و گنجورهای بی گنج که بین آنها جدایی افتاده است، اشیاء گوناگون از دوره های مختلف و ... بسیار یافته اند که به حل بسیاری از معماها و مسائل کمک کرده و بر تیره گی های نحوه زندگی بشر پرتو افکنده است. به گونه ای که امروزه در سطح دنیا شناخت اسرار قریب به اکثریت شاخه های مختلف علوم بر پایه یافته ها و داده های باستان شناسی استوار است^۱.

آثار فرهنگی تاریخی به عنوان زیر بنای فرهنگ جامعه، پشتوانه ی معنویت و موجودیت و شناسنامه و سند هویت ملی هر ملت محسوب می شود و طیفی گسترده دارد که تمامی دستاوردهای انسان را در جریان تاریخ در برمی گیرد. بنابراین حفظ و حراست از آثار فرهنگی تاریخی و همچنین تدوین مقررات کیفری در جهت مقابله با مجرمان و رساندن صحیح و سالم این آثار به نسل های آینده، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

مساله ای که در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد؛ این است که در این تحقیق برآنیم که رویکرد بررسی فقهی و حفظ آثار باستانی از منظر فقه را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم که اولاً از منظر فقهی چگونه به آثار باستانی پرداخته شده است؟ ثانیاً چگونه می توان از رویکرد فقه نسبت به آثار باستانی در زمینه حفظ و حراست، حمایت و گسترش این آثار بهره جست؟ از آنجا که کشور عزیز ما دارای تمدن باستانی بوده و ابینه و امکان تاریخی فرهنگی فراوانی را در خود به یادگار دارد لذا امکان بهره برداری و سود آوری فراوانی از طریق این گنجینه ها وجود دارد اما به واسطه عدم محافظت و عدم اتخاذ سیاست های حمایتی موثر، آثار فرهنگی تاریخی کشور در معرض صدماتی واقع شده که این خود به کاهش گرایش افراد ملل گوناگون، در دیدار از آثار تاریخی ایران انجامیده است.

آثار فرهنگی تاریخی متعلق به گروه یا شهر و کشور خاصی نیست، بلکه بنا بر اهمیت موضوع گاهی متعلق به همه جهان بشریت می باشند. اگر مجسمه بودا در افغانستان تخریب می شود و یا از جمله اعمال و اقدامات فهم ناپذیر گروه داعش صرف نظر از کشتارهای بی رحمانه انسان های بی گناه و بی ارزش کردن جان و کرامت انسانی که لکه ننگی بر پیشانی حامیان اصلی آنها که اکنون دیگر بر هیچ کس پوشیده نیستند است، تخریب و غارت آثار باستانی و به نوعی تاریخ مردمان کشورهای سوریه و عراق است^۲.

امروزه یکی از معیارهای سنجش حدود مدنیت ملتها، میزان توجه آنها به آثار فرهنگی تاریخی خود است و همین آثار موجب غرور ملی و تقویت نیروی روانی و سرافرازی باطنی نسل حاضر و آینده است و از نظر حسن جریان زندگی و تماس با ملل مختلف و جلب سیاحان و رونق بازار اقتصادی کشور نیز اهمیت بسزایی دارد. ملتی که به میراث فرهنگی خود توجه نکند در تهاجم فرهنگی و یا به تدبیر رهبر فرزانه در شبیخون فرهنگی از دشمن شکست خورده است. زیرا به آنچه خود دارد اهمیت نمی دهد و آنچه که دیگران بر او تحمیل می کنند، می پذیرد.

^۱ - صفاران، الیاس، مقدمه ای بر باستان شناسی، ۱۳۸۲ / ۵

^۲ - انگیزه گروهک تروریستی داعش از تخریب آثار باستانی سوریه و عراق. (www.mizanonline.ir/fa)

● مفاهیم و تعاریف

باستان‌شناسی: باستان به معنی قدیم، گذشته، دیرینه و ایران باستان به دوره ای از فرهنگ و تمدن کشور تا پیش از ظهور اسلام اطلاق می‌شود و این دورانها براساس شواهد معتبر بصورت دوران‌های پیش از تاریخ، دوران آغاز تاریخی، و دوران تاریخی تا ماقبل از ظهور اسلام دسته بندی می‌شوند. باستان‌شناسی دانشی است که درباره اشیاء و آثار و ابنیه قدیمی و باستانی و روش شناسائی آنها به و تحقیق می‌پردازد که در اصطلاح امروزی باستان‌شناختی خوانده می‌شود. این لغت مرکب از دو واژه ارک (archaic) از ریشه arch به معنی طاق زدن و قوس گرفته شده و باستانی هم بصورت ارکائیک archaic تلفظ می‌شود و بمعنی قدیم، دیرین و باستانی است که با واژه لوژی بمعنی شناسائی، و شناختی ترکیب یافته و روی هم بمعنی باستان‌شناسی خوانده می‌شود و باین تعریف به باستان‌شناسان ارکئولوژیست archaeologist می‌گویند. آثار باستانی: آثاری هستند که بیش از صد سال قدمت دارند.^۱

هویت: هویت عبارت از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان است که به رسایی و روانی برماهیت یا ذات گروه به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر، دلالت کند.^۲

میراث فرهنگی: آنچه که از پیشینیان به ما رسیده است و بیانگر طرز تفکر حاکم بر آنها و روش زندگی ایشان را بیان می‌کند.

اموال فرهنگی: اموال منقول و غیرمنقولی می‌باشند که برای میراث ملی کشورها دارای اهمیت فراوانی هستند.

احکام فقهی: قوانینی که شرع مقدس اسلام در باره موضوعات مختلف بیان می‌کند.

قوانین حقوقی: قوانینی که از طرف حکومت برای اداره کشور وضع می‌شود.

میراث فرهنگی: میراث فرهنگی به عنوان زیر بنای فرهنگ جامعه، پشتوانه معنویت و موجودیت و شناسنامه و سند هویت ملی هر ملت محسوب می‌شود و طیفی گسترده دارد که تمامی دستاوردهای انسان را در جریان تاریخ در برمی‌گیرد. قلمرو میراث فرهنگی، به مفهوم آنچه که در اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور بیان می‌گردد کلیه امور پژوهشی، حفظ و احیاء و معرفی و آموزش مرتبط با موضوعات باستان‌شناسی، مردم‌شناسی و هنرهای دستی را تا دوران ما هم شامل می‌شود.

« به عبارت دیگر میراث فرهنگی، مجموعه ای از یادگارهای یک ملت (اعم از مادی و معنوی) است و شامل تمامی دستاوردهای انسانی است که زیر بنای فرهنگ یک جامعه است و پشتوانه، شناسنامه و سند هویت یک ملت محسوب می‌شود. این قلمرو، آنقدر قابلیت دارد که به وسیله آن می‌توان حتی تمدن، فرهنگ، آداب و رسوم، شیوه های تجاری و اقتصادی و نیز روند تحول و مسیر تکوین و تکامل انسان را در طول تاریخ مورد بررسی و شناسایی قرار داد. به عبارتی میراث هر ملتی شناسنامه و هویت آنان است.»^۳

میراث به معنی ارث و ترکه میت و آنچه که از مرده به کسی برسد، است.^۴

در کنار این واژه در زبان فارسی لغت فرهنگی به کار برده شده است که به روشنی بر آثار و اموال باقی مانده از گذشتگان دلالت می‌نماید. برای دستیابی به یک تعریف برای میراث فرهنگی سه معیار را می‌توان در نظر گرفت.

۱ - انصاری، جمال، باستان‌شناسی ایران و جهان، ۱۳۸۷/ ۱۰.

۲ - همان: ۴۷۷.

۳ - فیروزی، زینب، حقوق میراث فرهنگی و تکالیف اشخاص در قبال آن، ۱۳۹۲، شماره ۱۶/۱۳۹.

۴ - رحیمی نیا، مصطفی، فرهنگ جامع عربی فارسی، ۱۳۶۷/ ۷۸۲.

اولین آن شی بودن است. مواجهه ی مستقیم با بقایای تاریخی، به ما نوعی شهود اعطا می کند، نوعی دریافت استنتاجی خاص که از خواندن تاریخ یا توضیح شفاهی حاصل نمی شود. دومین معیار برای تعریف میراث فرهنگی قدمت آن می باشد. بسیاری از رویکردهای عاطفی به گذشته، ناشی از قدمت به ارث رسیده در اشیاء تاریخی می باشد. قدمت، معیاری است که توسط آن معلوم می گردد که چه چیز میراث فرهنگی است. لذا اگر قدمت را حذف نماییم، چیزی به عنوان میراث فرهنگی باقی نخواهد ماند. مقدار فاصله با گذشته، که حس قدیمی بودن را می آفریند، نسبی است و واضح است که برای آنچه میراث نامیده شده می باشد حداقل سنی وجود داشته باشد. سومین معیار برای تعریف، عبارت از پیام انسانی می باشد. برای آنچه که میراث فرهنگی نامیده می شود بیش از قدمت و شیئیت، حمل یک پیام ضروری می باشد؛ به بیان دیگر هر شیء تاریخی که فاقد پیامی باشد، میراث فرهنگی شمرده نمی شود. آنچه را به عنوان پیام می خوانیم عامل فرهنگی یا اثر انسانی انعکاس یافته برپدیده هاست که ارزش مطالعاتی دارد و ما را در مشاهده و فهم گذشتگان راهنمایی می کند. همین خصیصه است که آثار طبیعی را از آثار فرهنگی گذشته متمایز می گرداند. با توجه به سه معیار فوق، میراث فرهنگی را می توان چنین تعریف کرد، ردپای انسان در طول تاریخ که حامی پیامی انسانی است!

● آثار تاریخی، ملی و مذهبی

ماده اول قانون راجع به حفظ آثار ملی در تعریف آثار ملی بیان داشته است: «کلیه آثار صنعتی و ابنیه و اماکنی که تا اختتام دوره ی سلسله ی زندیه در مملکت ایران احداث شده اعم از منقول و غیر منقول بارعایت ماده ۴ این قانون می توان جزو آثار ملی ایران محسوب داشت و در تحت حفاظت و نظارت دولت می باشد.»

خصوصیت و ویژگی که از نظراین قانون، باعث می شود یک مال در فهرست آثار ملی قرار بگیرد عبارت از قدمت آن اثر می باشد. بدین معنا که از نظر زمانی، ساخت این مال باید حداکثر تا پایان حکومت زندیه صورت پذیرفته باشد. بنابراین اگر مالی هرچند از لحاظ ساختار هنری و تاریخی منحصر به فرد باشد و لیکن بعد از تاریخ مزبور ساخته شده باشد، نمی تواند جزء آثار ملی محسوب شود و به خاطر همین امر مقنن در سال ۱۳۵۱ قانون ثبت آثار ملی را تصویب نمود که مطابق آن وزارت فرهنگ و هنردر حال حاضر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان میراث فرهنگی (کشور) اجازه دارد آثار غیر منقولی را که از نظر تاریخی یا شئون ملی واجد اهمیت باشند را صرف نظر از تاریخ یا پیدایش آن با تصویب شورای عالی فرهنگ و هنر در عداد آثار ملی مذکور در قانون به ثبت برساند.

قبل از تصویب این قانون، آثار ملی بسیاری وجود داشتند که تاریخ ایجاد آنها به بعد از سلسله زندیه در ایران مربوط می شد و آثار ارزشمند بسیاری را که از زمان قاجاریه به بعد ایجاد شده بودند را شامل نمی شد (برای اینکه این گونه آثار از مزایای حمایتی مربوط به آثار فرهنگی بهره مند شوند، این ماده واحده به تصویب رسید) قانونگذار با تصویب این قانون ملاک قبلی تشخیص آثار ملی را تا حد نسبتاً مطلوبی توسعه بخشید.

در تعریف آثار تاریخی نیز باید گفت «اشیاء و ابنیه ای که به علت گذشت زمان طولانی بر آنها، یک قوم به آن ها علاقه تاریخی پیدا کرده باشد.»

۱ - حجت ، مهدی ، میراث فرهنگی در ایران سیاست ها برای یک کشور اسلامی، ۱۳۸۰ / ۸۹ و ۸۱.

۲ - جعفری لنگرودی، (۱۳۸۰)، محمد جعفر ، ترمینولوژی حقوق ، ۱۳۸۰ / ۵.

عده ای دیگر معتقدند که: «بناها، مجموعه ها، اماکن، محوطه های تاریخی، نگاره ها، تندیس ها، پیکره ها، کتیبه ها، نقوش، آذین ها و هر عنصر تاریخی که به آثار متصل یا متکی و یکصد سال و بیشتر از عمر آنها گذشته باشد، اثر تاریخی محسوب می شود.» قطعنامه موسوم به و نیز در مورد حفظ و مرمت میراث فرهنگی مصوب ۱۹۶۴ اثر تاریخی را نه تنها شامل ساخته های معماری منفرد می داند، بلکه فضای شهری و مناظر را که مبین یک تمدن خاص از یک تحول مشخص و از یک حادثه تاریخی است را نیز شامل می داند. این مفهوم تنها مختص به ساخته های معماری بزرگ نبوده بلکه در مورد ابنیه و آثار کوچک معماری که به مرور معنا و مفهوم فرهنگی به خود گرفته اند نیز به کار برده می شود.

آثار مذهبی: به کلیه ابنیه و اشیایی اطلاق می شود که به جهت علایق دینی و اعتقادی ایجاد شده باشند. آثار مذهبی از آثار فرهنگی کشور بوده و تجلی عینی و خارجی فطرت خداجویی انسان می باشند. البته در خصوص رابطه آثار مذهبی و تاریخی باید توجه نمود که اغلب آثار مذهبی به دلیل قدمت زیاد از جمله آثار ملی نیز محسوب می شوند ولی برخلاف آثار تاریخی لازم نیست مدت زمان زیادی از تاریخ ایجاد آنها گذشته باشد. اشیاء عتیقه: ماده اول نظام نامه اجرایی (قانون راجع به حفظ آثار ملی ۱۳۰۹). مصوب ۱۳۱۱ هیأت وزیران مقرر می داشت: « کلیه آثار صنعتی اقوامی که تا انتهای دوره زندیه در خاک ایران زندگانی کرده اند، عتیقه نامیده می شود.» و در خود قانون راجع به حفظ آثار ملی، اینگونه آثار، آثار ملی نامیده شده اند.

لایحه قانونی راجع به جلوگیری از اعمال حفاری های غیر مجاز مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب، در تعریف اشیاء عتیقه، دامنه ی شمول این اموال را توسعه داده و در بند ۳ ماده واحده لایحه قانونی مذکور چنین مقرر می دارد: «منظور از اشیاء عتیقه، اشیائی است که بر طبق ضوابط بین المللی یکصد سال یا بیشتر از تاریخ ایجاد یا ساخت آن گذشته باشد.» از آنجایی که این ماده تاکنون توسط قانون دیگری نسخ نشده است و با توجه به موخر التصویب بودن لایحه قانونی راجع به جلوگیری از انجام حفاری های غیر مجاز از نظامنامه قانون حفظ آثار ملی، برای تشخیص اشیاء عتیقه، قابلیت اجرا دارد و ملاک عتیقه شناخته شدن یک شی گذشتن حداقل یکصد سال از تاریخ ایجاد آن می باشد. قرآن کریم نیز صد سال را به عنوان یک مقیاس برای تعیین آنچه که قدیمی یا از گذشته است، ارائه می نماید.

«... فَأَمَّا اللَّهُ مَأْتُهُ عَامٌ ثُمَّ بَعَثَهُ...» «... خدا او را به مدت صد سال میراند. آنگاه زنده اش نمود ...»

موزه: واژه موزه از لحاظ ریشه ی لغوی اصطلاحی است که برای مجموعه ی، الهه ی یونانی به کار برده می شد و بعدها به صورت و مفهوم کنونی به کار گرفته شد.^۱

در فرهنگ لغات مختلف نیز تعابیر خاصی از موزه شده که اکثراً شبیه هم هستند. در فرهنگ عمید عبارت است از مجموعه ی آثار باستانی و محلی که آثار باستانی را در آن نگهداری می نمایند. در ادامه نیز عنوان داشته که موزه نام تپه ای در آتن بود که مردم در آنجا عبادتگاه و محل مخصوصی برای چند تن از خدایان ساخته بودند.^۲ در ایران برای اولین بار زمان پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار، موزه به معنای واقعی و امروزی تأسیس شد. اما تأسیس یک مؤسسه ی رسمی در ایران به عنوان اداره ی موزه ها در سال ۱۲۹۵ شمسی صورت گرفت. وزارت فرهنگ، اولین مجموعه آثار هنری صنعتی قدیم را در عمارت وزارت معارف جنب دارالفنون به نام موزه ایران تأسیس کرد.^۳ در حال حاضر موزه

۱ - خلیلیان، علی محمد، (۱۳۷۵)، اموال فرهنگی در گستره ی تاریخ معاصر، فصلنامه میراث فرهنگی، شماره ۱۶ / ۲۵.

۲ - البقره / ۲۵۹

۳ - روح الامینی، محمود، مجله موزه ها، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۸، شماره ۲۲۰.

۴ - عمید، حسن، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، چاپ هفدهم، ۱۳۶۱ / ۴-۱۰.

۵ - کریمیان سردشتی، نادر، گنجینه یا موزه، مجله موزه ها، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۶، شماره ۱۸ و ۱۹.

مؤسسه ای است که به گردآوری، مطالعه و محفوظ داشتن اشیاء نمایانگر طبیعت و بشر می پردازد تا آنها را به خاطرآگاهی، آموزش و لذت، پیش چشم همگان بگسترد و به اعتبار این تعریف واژه ی موزه نه تنها مؤسساتی حامل این نام را در بر می گیرد، بلکه همچنین شامل نگارخانه های هنری (غیر تجاری)، تالارهای نمایش آثار نقاشی، گنجینه های مذهبی و غیر مذهبی، برخی ابنیه تاریخی، نمایشگاه های دائمی در هوای آزاد و کتابخانه ها و مراکز اسنادی که به روی مردم باز هستند نیز می شوند.^۱

● پیشینه تاریخی آثار باستانی

کشوری که اکنون ایران نامیده می شود، در واقع بخشی از ایران تاریخی است؛ مرزهای ایران تاریخی، از سمت مشرق تا رود سند، از شمال شرقی تا رود جیهون یا آمو دریا، از سمت شمال غرب تا قفقاز و ماورای قفقاز و از غرب تا ساحل فرات و بخشی از آسیای صغیر و بین النهرین گسترده بوده است. تنها مرز تقریباً ثابت ایران در طول چند هزارسال تاریخ کهن این سرزمین، مرزهای جنوبی آن یعنی خلیج فارس است. بدین ترتیب ایران در طول چند هزار سال، مجموعاً حدود ۲/۶۰۰/۰۰۰ کیلومترمربع وسعت داشته و معمولاً از آن با نام فلات ایران یاد می شده است که قریب ۱/۶۴۸/۰۰۰ کیلومتر مربع آن، مساحت ایران کنونی است. بیشترین آثار بدست آمده به دورانی مربوط می شود که جامعه های انسانی به ساختن بناها و ابزارهای فراوان و ایجاد مراکز تجمع شهری و روستایی اقدام کرده اند (حدود پنج یا شش هزارسال پیش). ویرانه های معروف به تپه سیلک در نزدیکی کاشان، شهرسوخته در سیستان و بلوچستان، مجموعه های عظیم و گرانبهای ایلام قدیم در بخشی از لرستان و خوزستان امروزی و ... نشان میدهند که این سرزمین، قدمت تاریخی ارزشمندی دارد و ساکنان این مرز و بوم وارث تمدنی عظیم و باستانی هستند.^۲

در این مبحث به طور خیلی مختصر آنچه که در چند قرن اخیر برسر میراث فرهنگی کشورمان آمده است را بررسی می نماییم. پراکندگی سکونت در سطح فلات ایران از حدود ۲۵۰۰ سال پیش تاکنون و آثار بی شمار باقی مانده از آن در نقاط مختلف این سرزمین شاهد آن است که مردم ایران در طول زندگی خود نمی توانستند از هم زیستی با آثار تاریخی برکنار بوده باشند. و همچنین مبین ایران امراست که مردم آثار تاریخی به جای مانده از گذشتگان خود را به دیده ی احترام می نگریسته اند و از این جهت تلاش فراوانی در جهت حفظ آنها نموده اند. با بررسی آثار تاریخی ایران ونقشی که این آثار در حیات فرهنگی جامعه داشته اند ثابت می نماید که سلسله های اولیه حاکم بر ایران دریافت کافی راجع به نقش آثار تاریخی در انتقال ارزشهای فرهنگی به آینده داشته اند و همین بینش موجب جلوگیری از تخریب آثار تاریخی نزد ایشان بوده است. شاهد مدعا جمله ای است که داریوش شاه در کتیبه بیستون نگاشته است «ای که در آینده این پیکر را ببینی آن را در میفکن اگر تا توانی نگاهش داری یزدان تو را دوست باد وزندگی دراز دهد.»^۳

« اماکن مذهبی به عنوان اماکن مقدسه، همواره مورد توجه بشر بوده اند به نحوی که قانون حمورابی که از جمله قدیمی ترین قانون نامه های مدون بشری است در ماده ۶ خود مقرر می داشت: «هرگاه شخصی مال متعلق به یک

۱ - کلود کرباسی، (۱۳۶۵)، موزه از دایره المعارف بریتانیکا، اداره کل موزه ها و وزارت ارشاد اسلامی، شماره ۳ و ۴ / ۱۳۶.

۲ - سنایی، مهدی، شعیب، بهمن، *احیای تمدن ایرانی اسلامی*، ۱۳۶۰ / ۱۰۹.

۳ - حجت، مهدی، میراث فرهنگی در ایران سیاست ها برای یک کشور اسلامی، ۱۳۸۰ / ۱۶۷.

معبد و یا کاخ پادشاه را سرقت نماید، کشته می شود.» تعیین شدیدترین مجازات برای چنین سرقتی، موید اهمیت اموال متعلق به اماکن مقدسه که نوع بارز آثار فرهنگی است، در دو هزار سال قبل از میلاد مسیح (ع) می باشد.»^۱ علی رغم این مسایل، آثار فرهنگی تاریخی در طول دوره های مختلف زمانی دستخوش ناملایماتی چه از طرف طبیعت و چه از سوی انسانها شده اند و بدین ترتیب رو به ویرانی گراییده اند. البته عامل انسانی را می توان مهمترین علل نابودی این آثار دانست. در ایران توجه به آثار تاریخی و حفاظت نسبی از آنها در دوران قبل از اسلام و دوره ی اسلامی تا قبل از حکومت قاجار با توجه به شواهدی که به دست آمده قابل انکار نیست.^۲

● حفظ آثار باستانی از منظر قرآن

نظر قرآن در باب آثار گذشتگان: «فانظروا کیف کان عاقبه الذین من قبل کان اکثرهم مشرکین»^۳ در آیات قرآن کریم، به بسیاری از نقاط جغرافیایی و تاریخی اشاره شده که همواره مورد توجه باستان شناسان قرار گرفته است: مصر، اصحاب حجر (سنگستان)، سدّ ذوالقرنین، غار اصحاب کهف، ارم ذات العمداد، سدّ مآرب، احقاف، رودی که بنی اسرائیل از آن گذشتند و فرعونیان در آن غرق شدند. گرچه بسیاری از این آثار تاریخی به تدریج بر اثر زمین لرزه ها، افت و خیز دریاها، ریزش های آسمانی، سایش خاک و مانند آن دگرگون شده است، لکن دعوت قرآن و فرمان به سیردر زمین، روحیه کاوش گری و جستجو را در پیروان قرآن برمی انگیزد و ضرورت مسأله آثار تاریخی را برای درک و شناخت مکان های مورد اشاره قرآن روشن می سازد. لذا ضرورت دارد بر این نکته پافشاری گردد که می توان شواهد متعددی از قرآن مطرح نمود که رجوع به عین آثار نیز مورد نظر می باشد. بخش عمده ای از این شواهد در آیاتی که با اَلَمْ یَسِیْرُوا فِی الْاَرْضِ فِیَنْظُرُوا^۴ شروع می شود قابل تمیز است. (آیا در زمین سیر نکرده اند تا بنگرند؟) ... به نظر می رسد این دعوت وجهی جز توجه به آثار فیزیکی نمی تواند داشته باشد. خصوصاً وقتی در ادامه هر یک از این آیات از میزان قدرت و آثار این اقوام سخن به میان می آید. این گروه از آیات نیز دارای ابعاد گوناگون و مهم از نقطه نظر میراث فرهنگی است. مراجعه به سایر آیات و جزئیاتی که در آنها منعکس است برداشت فوق تقویت می گردد. نظر به اهمیت برخی اشارات موجود آنچه انتخاب شده معرفی و در هرآیه نکته و اطلاع مورد نظر به صورت مشخص نشان داده شده است. ((فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ^۵ پس زلزله ای سخت آنان را فروگرفت و درخانه های خود برجای مردند.

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ^۶

ناگاه زمین لرزه شدید آنان را فراگرفت، پس شب را به صبح آوردند، در حالی که در خانه هایشان به رو افتادند) و (مردند).

۱ - نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تاریخ حقوق کیفری بین النهرین، ۱۳۸۳/۹۶.

۲ - حجت، مهدی، میراث فرهنگی در ایران سیاست ها برای یک کشور اسلامی، ۱۳۸۰/۱۷۲.

۳ - روم/۴۲.

۴ - سوره محمد/۱۰.

۵ - اعراف/۹۱.

۶ - الاعراف/۷۸.

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْفُرِيِّ نَفْسُهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَ حَصِيدٌ !

اینها اخبار قریه هایی است که برای تو حکایت می کنیم؛ قریه هایی که بعضی هنوز برپایند و بعضی بکلی ویران گشته اند.

این آیه شریفه از بناهایی یاد کرده که از گذشتگان باقی مانده و مردم را به مشاهده و تفکر در این گونه آثار دعوت کرده است.

فَالْيَوْمَ تُنْجِيكَ بِيَدِيكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً وَ أَنْ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنِ آيَاتِنَا لِعَاقِلُونَ: امروز جسم تو را به بلندی می افکنیم تا برای آنان که پس از تو می مانند عبرتی باشی، و حال آنکه بسیاری از مردم از آیات ما غافلند.^۱

وَ إِنَّهَا لَيْسَبِيلٌ مُقِيمٌ وَ أَنْ شَهْرٍ اِكْنُونِ بَرَسْرِرَاهُ كَارِوَانِيَانِ اسْتَأْ
وَ كَانُوا يَنْجِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بِيُوتًا اِمْنِيَةً خَانَهُ هَايِ خُودِ رَا تَا اِيْمَنِ بَاشُنْدِ دَرْكُوهَا مِي كُنْدُنْدُ:
أَفَلَمْ يَهْدِلْهُمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَى: آیا آن همه مردمی که پیش از این در مساکن خویش راه می رفتند و ما همه را هلاک کردیم، سبب هدایت اینان نشده اند؟ اینها نشانه هایی برای خردمندان.^۵

«فَكَأَيِّ مَن قَرِيهٍ أَهْلَكْنَاهَا وَ هِيَ ظَالِمَةٌ فَعِي خَاوِيَةٌ عَلَي غُرُوشِيهَا وَ بَنِي مُعَطَّلِهِ وَ قَصْرٍ مَشِيدٍ» چه بسیار قریه هایی ستم پیشه را هلاک کردیم و سقف هایشان فرو ریخت و چه بسیار چاه ها که بیکار ماند و قصرهای رفیع گجکاری شده، بی صاحب؟

در این آیه شریفه از وجود ابنیه و مصنوعات بشری یاد شده که اقوام گذشته، آنها را ایجاد نموده اند و به خاطر ظلم و ستمی که مردمان آن روا می داشتند خداوند آنها را به هلاکت رساند و اینک دیگر مردم گنهکار را به تدبر و تامل در زندگی آنان دعوت می نماید.

«وَ كَمْ اَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيهٍ بَطَرْتِ مَعِيْشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ اِلَّا قَلِيلاً وَ كُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ» چه بسا مردم قریه ای را هلاک ساختیم که از زندگی خویش دچار سرمستی شده بودند و این خانه های آنهاست که بعد از آنها، جز اندک زمانی کس در آنها سکنی نگرفت و ما وارث آنان بودیم.^۶

وَ لَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ! و آن کشتی را محفوظ داشتیم تا آیت عبرت خلق شود. آیا کیست که از آن پند گیرد.

فَكَذَّبُوهُ فَآخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةُ فَاصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَائِمِينَ... وَ عَادًا وَ ثَمُودًا وَ قَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِنِهِمْ
در این آیه شریفه از وجود کشتی حضرت نوح خبر داده است که خداوند به حکمت خود آنرا سالم نگه داشته است تا آیندگان با مشاهده آن از سرنوشت قوم نوح(ع) عبرت بگیرند.^۷

آنچه انسان به دریافتن آن از راه توجه به آثار دعوت می شود تنها تجربیات زندگی مادی گذشتگان نیست بلکه درک سنت الهی است که ثابت و ملاک صحت و سقم عمل هر قوم است. این ملاحظه موجب عبرت و عبرت موجب

۱ - هود/۱۰۰.

۲ - یونس/۹۲.

۳ - الحجر/۷۶.

۴ - الحجر/۸۲.

۵ - طه/۱۲۸.

۶ - الحج/۴۵.

۷ - القصص/۵۸.

۸ - قمر/۱۵.

۹ - العنكبوت: ۳۸ و ۳۷.

هدایت انسان می گردد. از نتایج دیگر این سیر و نظر، دریافتن ضرورت وجود جهانی دیگر است که یکی از سه اصل اساسی دین اسلام است. برای تحقق همیشگی این روند ارزشمند نه تنها مراجعه به آثار بلکه حفاظت آنها و کشف و عرضه هرچه بیشتر آن قابل استنباط از قرآن است. در حقیقت در نگاه قرآن گذشته نمرده است، عنصری است زنده که یکی از اصولی ترین نقشها را در تنظیم روابط فردی و اجتماعی هرجامعه و شکل دادن به آینده بازی می نماید. گذشته، حال و آینده در این دیدگاه وحدت یافته و فضایی را می سازد ازلی- ابدی که ما در لحظه ای از آن به سر می بریم.^۱

● نظریه برخی از فقها و احادیث مربوط به آثارباستانی

الف- شیخ صدوق، حدیث ۱۶۴۴

سُئِلَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ "عَمَا يُخْرَجُ مِنَ الْبَحْرِ مِنَ اللَّوْلُؤِ وَ الْأَيَاقُوتِ وَ الزَّبْرَجْدِ، وَ عَنِ مَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ هَلْ فِيهَا زَكَاةٌ؟ فَقَالَ: إِذَا بَلَغَ قِيمَتُهُ دِينَارًا فِيهِ الْخُمْسُ".
در حدیث ۱۶۴۴ از امام موسی کاظم (علیه السلام) سؤال شد آیا از آنچه که خارج می شود از دریا از لولو و یا یاقوت و زبرجد و معادن طلا و نقره در آن زکاه هست فرمود اگر به حد نصاب برسد بر آن خمس تعلق می گیرد.

حدیث ۱۶۴۵

وَ سَأَلَ عَبِيدَ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ "عَنِ الْكَنْزِ كَمْ فِيهِ؟ فَقَالَ: الْخُمْسُ، وَ عَنِ الْمَعَادِنِ، كَمْ فِيهَا؟ فَقَالَ: الْخُمْسُ، وَ عَنِ الرِّصَاصِ وَ الصَّفَرِ وَ الْحَدِيدِ وَ مَا كَانَ مِلْآنَ الْمَعَادِنِ، كَمْ فِيهَا؟ فَقَالَ: يُؤْخَذُ مِنْهَا كَمَا يُؤْخَذُ مِنَ الْمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ".

در حدیث ۱۶۴۵ عبیداله بن علی حلبی از حضرت اباعبداله سؤال کردند وجوهات شرعی گنج چقدر است فرمود: خمس تعلق می گیرد. از معادن سؤال کردند، فرمود: خمس، از سرب و مس و آهن و آنچه که معدن است سؤال کردند. فرمود: به آنها آن تعلق می گیرد آنچه که به معدن طلا و نقره تعلق می گیرد.

حدیث ۱۶۴۶

وَرَوَى الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ قَالَ: "سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَيْسَ الْخُمْسُ إِلَّا فِي الْعَنَائِمِ خَاصَّةً"

در حدیث ۱۶۴۶ روایت کرده است حسن بن محبوب از عبدالله بن سنان گفت شنیدم از اباعبداله (علیه السلام) که فرمود نیست خمس مگر در عنائیم

حدیث ۱۶۴۷

وَرَوَى أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: "سَأَلْتُهُ عَمَّا يَجِبُ فِيهِ الْخُمْسُ مِنْ الْكَثْرِ، فَقَالَ: مَا تَجِبُ الزَّكَاةُ فِي مِثْلِهِ فَفِيهِ الْخُمْسُ".

در حدیث ۱۶۴۷ روایت شده است از احمد بن محمد بن ابی نصر از امام رضا (ع) که سؤال کرده است از آنچه واجب می کند خمس را در گنج، فرمود: آنچه که زکات را واجب می کند در خمس هم واجب می شود (من لا یحضره الفقیه).^۲

^۱ - /tag/andishehonline.ir, آثارباستانی در منظر قرآن .

^۲ - الشیخ الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، تهذیب الاحکام، ۱۴۰۴، جلد ۲/ ۴۱.

قال الشيخ الطوسي رحمه الله : (وَالْخُمْسُ وَاجِبٌ فِي كُلِّ مَغْنَمٍ ثُمَّ قَالَ : وَالْغَنَائِمُ كُلُّ مَا اسْتَفِيدَ بِالْحَرْبِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالسَّلَاحِ وَالْأَثَابِ وَالرَّقِيقِ وَمَا اسْتَفِيدَ مِنَ الْمَعَادِنِ وَالْغَوْصِ وَالْكَنْوَزِ وَالْعَنْبَرِ وَكُلِّ مَا فَضَّلَ مِنْ أَرْبَاحِ التَّجَارَاتِ وَالزَّرَاعَاتِ وَالصَّنَاعَاتِ مِنَ الْمَوْنَةِ وَالْكَفَايَةِ فِي طَوْلِ السِّنَةِ عَلَى الْاِقْتِصَادِ).

شيخ طوسی رحمه الله علیه گفت خمس در کل غنیمت واجب است و غنیمت عبارتند از آنچه به دست میاوری در جنگ از اموال و سلاح و لباس بوده و آنچه که اضافه بر خرج سالیانه می باشد از تجارت و زراعت و صنعت. حدیث (۳۴۶) وَعَنْهُ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حِمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ : سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْعَنْبَرِ وَعَوَصٍ اللَّوْلُؤُ فَقَالَ: عَلَيْهِ الْخُمْسُ .

قال : وَسَأَلْتُهُ عَنِ الْكَنْزِ كَمْ فِيهِ ؟ قَالَ : الْخُمْسُ وَعَنِ الْمَعَادِنِ كَمْ فِيهَا ؟ قَالَ : الْخُمْسُ ، وَعَنِ الرَّصَاصِ وَالصَّفَرِّ وَالْحَدِيدِ وَمَا كَانَ بِالْمَعَادِنِ كَمْ فِيهَا ؟ قَالَ : يُؤْخَذُ مِنْهَا كَمَا يُؤْخَذُ مِنْ مَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ.

واز او (علی بن مهزیار) از ابن ابی عمیر از جماد از حلبی گفت از ابا عبدالله (علیه السلام) سؤال کردم از مشک و غواصی لؤلؤ فرمود: بر آن خمس واجب است گفت سؤال کردم از گنج فرمود: خمس ، و از معادن سؤال کردم باز فرمود: خمس، سؤال کردم از سرب و مس و آهن و آنچه که معدن باشد فرمود: اخذ می شود از آن هم چنانکه از معدن طلا و نقره گرفته می شود (تهذیب الاحکام).

ب- شیخ طوسی، مسأله ۱۴۸:

إِذَا وَجَدَ دَرَاهِمَ مَضْرُوبَةً فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَهُوَ رَكَازٌ، وَ يَجِبُ فِيهِ الْخُمْسُ، سِوَاءَ كَانِ ذَلِكَ فِي دَارِ الْإِسْلَامِ أَوْ دَارِ الْحَرْبِ، وَ بِهِ قَالَ الشَّافِعِيُّ . وَ قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ: يَجِبُ فِيهِ الْخُمْسُ أَنْ كَانَ فِي دَارِ الْإِسْلَامِ، وَ أَنْ كَانَ فِي دَارِ الْحَرْبِ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ . دَلِيلُنَا: قَوْلُ تَعَالَى: فَإِنَّ لِلَّهِ خَمْسَهُ وَلَمْ يَفْرُقْ، وَلَا خُبْرُ الْوَارِدِ أَنَّ الرِّكَازَ فِيهِ الْخُمْسُ عَلَى عَمومِهَا، وَ خَيْرُ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: فِي الرِّكَازِ الْخُمْسُ، عَامٌ أَيْضًا وَ لَمْ يَفْرُقْ .

مسئله ۱۴۸:

هرگاه سکه مضروبه عصر جاهلیت پیدا شد و پس حالت سنگ معدنی دارد و خمس بر آن واجب می شود فرق ندارد در دیار اسلام باشد یا کفار جنگی و شافعی همین نظر را دارد. ابو حنیه گفته است اگر در دیار اسلام باشد خمس آن واجب است اما در دیار کفر خمس ندارد و دلیل آن قول خداوند متعال در قرآن فرموده است " پس اگر برای خدا باشد خمس دارد " از نظر شیخ طوسی فرق ندارد و اخبار وارده اینکه معدن عموماً خمس به آن واجب است.

مسأله ۱۴۹:

إِذَا وَجَدَ كَنْزاً عَلَيْهِ أَثَرُ الْإِسْلَامِ، بِأَنَّ تَكَلُّونَ الدَّرَاهِمِ أَوْ الدَّنَانِيرِ مَضْرُوبٌ لَهُ فِي دَارِ الْإِسْلَامِ، وَ لَيْسَ عَلَيْهِ أَثَرُ مُلْكٍ، يُؤْخَذُ مِنْهُ الْخُمْسُ، وَقَالَ الشَّافِعِيُّ: هُوَ بِمَنْزِلَةِ اللَّقْطَةِ إِذْ كَانَ عَلَيْهَا أَثَرُ الْإِسْلَامِ . وَ إِنْ كَانَتْ مِنْهُمْ لَاسِيَةً كَمَا فِيهَا وَالْإِوَانِي فَعَلَى قَوْلَيْنِ: أَحَدُهُمَا بِمَنْزِلَةِ اللَّقْطَةِ . وَلثَانِي: أَنَّهُ رَكَازٌ وَ غَلَبَ الْمَكَانَ، فَإِنْ كَانَ فِي دَارِ الْحَرْبِ خُمْسٌ، وَ إِنْ كَانَ فِي دَارِ الْإِسْلَامِ فَهِيَ لِقْطَةٌ.

مسأله ۱۴۹:

هرگاه گنجی پیدا گردد و دارای آثار اسلامی باشد یا اینکه درهم یا سکه های مضروبه در دیار مسلمین و زمان آن مشخص نباشد دارای خمس می باشد شافعی گفته است: اگر زمان آن مربوط به دوران اسلام باشد خمس دارد و اگر

۱ - الشيخ الطوسي، محمد بن حسن، الخلاف، جلد ۴ / ۱۲۵.

زمان مشخص نبود و سکه ای هم در آن پیدا نشد در اینجا دو قول وجود دارد اول به عنوان چیزی که پیدا شده است دوم اینکه به عنوان معدن دارای مکان می باشد پس اگر در دیار کفر بود خمس بر آن تعلق می گیرد و اگر در دیار مسلمین بود به عنوان چیزیکه پیدا شده است محسوب می شود.

مسأله ۱۵۰:

أَذَا وَجَدَ رَكَازًا فِي مَلِكٍ مُسْلِمٍ أَوْ ذَمِيًّا فِي دَارِ الْإِسْلَامِ لَا يَعْتَرِضُ لَهُ إِجْمَاعًا ، وَإِنْ كَانَ مُلْكًا حَرْبِيًّا فِي دَارِ الْحَرْبِ فَهُوَ رَكَازٌ ، وَبِهِ قَالَ أَبُو يُوسُفَ وَ أَبُو ثَوْرٍ . وَقَالَ الشَّافِعِيُّ : هُوَ غَنِيمَةٌ وَفَائِدَةُ الْخَلَافِ الْمَصْرِفِ ، لِأَنَّ وَجُوبَ الْخُمْسِ فِيهِ مَجْمَعٌ عَلَيْهِ . دَلِيلُنَا : عَمُومُ الْأَخْبَارِ الْمِتَنَاوَلَةِ لِوَجُوبِ الْخُمْسِ فِي الرِّكَازِ .

مسأله ۱۵۰:

هرگاه معدنی پیدا شود در زمین مسلمان یا کافرذی در دیار مسلمین بنا بر اجماع کسی حق تعرض ندارد. و نظر ابویوسف و ابوثور اینچنین است. و نظر شافعی بر غنیمت بودن آن می باشد و نتیجه این بحث اینکه خمس بر آن واجب است و دلیل آن اخبار وارده بر وجوب خمس در معدن است!

ج - شهید الثانی

الثالث: الْكُنُوزُ. وَ هُوَ كُلُّ مَالٍ مَذْخُورٍ تَحْتَ الْأَرْضِ، فَإِنْ بَلَغَ عَشْرِينَ دِينَارًا وَ كَانَ فِي أَرْضِ دَارِ الْحَرْبِ أَوْ دَارِ الْإِسْلَامِ، وَلَيْسَ عَلَيْهِ أَثَرٌ، وَ جَبَّ الْخُمْسُ. وَ لَوْ وَجَدَهُ فِي مَلِكٍ مِتَّاعٍ، عَرَفَهُ الْبَائِعُ. فَإِنْ عَرَفَهُ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ. وَ أَنْ جَهْلُهُ، فَهُوَ لِلْمُشْتَرِي، وَ عَلَيْهِ الْخُمْسُ. وَ كَذَالِوِ اشْتَرَى دَابَّةً وَ وَجَدَ فِي جُوفِهَا شَيْئًا لَهُ قِيَمَةٌ. وَ لَوْ ابْتِاعَ سَمَكَةً فَوَجَدَ فِي جُوفِهَا شَيْئًا أَخْرَجَ خُمْسَهُ، وَ كَانَ لَهُ الْبَاقِي، وَ لَا يَعْرِفُ. إِذَا وَجَدَ كَثْرًا فِي الْأَرْضِ مَوَاتٍ مِنْ دَارِ الْإِسْلَامِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ سِكَّةٌ، أَوْ كَانَ عَلَيْهِ سِكَّةٌ عَادِيَةً أَخْرَجَ خُمْسَهُ، وَ كَانَ الْبَاقِي لَهُ. وَ إِنْ كَانَ عَلَيْهِ سِكَّةٌ الْإِسْلَامِ، قِيلَ: يَعْرِفُ كَاللَّقْطَةِ، وَ قِيلَ: يَمْلِكُهُ الْوَاجِدُ وَ عَلَيْهِ الْخُمْسُ، وَ الْأَوَّلُ أَشْبَهُ.

الْخُمْسُ يُجِبُّ فِي الْكَثْرِ، سِوَاءَ كَانَ الْوَاجِدُ لَهُ حُرًّا أَوْ عَبْدًا، صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا، وَ كَذَا الْمَعَادِنُ وَ الْعُوصُ. إِذَا اخْتَلَفَ الْمَالِكُ وَ الْمُسْتَأْجِرُ فِي الْكَثْرِ. فَدَنَ اخْتِلَافًا فِي مَلِكِهِ، فَالْقَوْلُ قَوْلُ الْمُؤْجِرِ مَعَ يَمِينِهِ. وَ إِنْ اخْتَلَفَ فِي قُدْرَةِ، فَالْقَوْلُ قَوْلُ الْمُسْتَأْجِرِ. الْخُمْسُ يُجِبُّ بَعْدَ الْمُؤْنَةِ الَّتِي يَفْتَقِرُ إِلَيْهَا إِخْرَاجَ الْمِثْرِ وَ الْمَعْدِنِ، مَنْ حَفَرَ وَ سَبَكَ وَ غَيْرَهُ.

سوم گنج:

آنچه که در زیر زمین پنهان است. زمانیکه مقدار آن به ده دینار برسد در دیار کفار یا اسلام باشد و هیچ اثری بر آن وجود نداشته باشد خمس بر آن واجب است. اگر خریداری در ملک خریداری شده گنجی پیدا کند اگر فروشنده را بشناسد مستحق فروشنده است و اگر فروشنده نشناسد آن گنج برای خریدار است و خمس آن را باید پرداخت نماید. و همچنین اگر خریداری حیوانی را خرید و در شکم آن چیز قیمتی پیدا نمود و هم چنین اگر ماهی خرید و در شکم آن چیز قیمتی پیدا نمود خمس آن را خارج می کند و ما بقی متعلق به خریدار می باشد و چیز دیگری هم غیر از این نشده است. هرگاه گنجی را در زمین موت در دیار اسلامی پیدا کند و بر آن اثر مشخص کننده ای نباشد یا سکه های عادی باشد خمس آن را خارج می کند و مابقی برای یابنده است اما اگر سکه های پیدا کند گفته شده که حالت

^۱ - الخلاف، الشيخ الطوسي، جلد ۲ / ۱۲۲-۱۲۳.

لقظه (چیزی را پیدا کردن) دارد و قول دیگر گفته است متعلق به پیدا کننده می باشد و باید خمس آن را پرداخت نماید و قول اول نزدیکتر است .

فروع

- خمس درگنج واجب است فرق ندارد یابنده فرد آزاد باشد یا بوده، بچه باشد یا بزرگسال هم چنین برای معدن و غواصی همین حکم است .
- زمانیکه مالک و مستأجر در پیدا شدن گنجی اختلاف داشته باشند پس اگر اختلاف در اندازه بود حرف مستأجر صحیح می باشد.
- خمس واجب می شود برگنج و معدن بعد از کم کردن هزینه حفر و استخراج و دیگر هزینه هایی که معمول است (مسالك الافهام).

د- صاحب جواهر

الثالث (من السبعة الواجب فيها الخمس) (الكنوز) جمع الكنز . ألمسى في جملة من عبارات الأصحاب منها التذكروا المنتهى بالركاز من الركز . بله مهنتي الخفاء بلا خلاف فيه في الخلاف والحدايق و ظاهر الغنية أو صريحها ، بل مع زيادة (بين أهل العلم) في المنتهى ، بل (اجماعاً) في الخلاف و التذكرة و ظاهر الانتصار أو صريحه ، بل في المدارك أجمع العلماء كآفه على وجوب الخمس فيه للآية على عموم الغنيمه فيها ، خصوصاً له للمروى عين الفقيه و الخصال في وصية النبي (صلى الله عليه و آله) على (عليه السلام) (يا على إن عبدالمطلب سن في الجاهلية خمس سنن أجزأها الله له في الإسلام إلى أن قال : و وجد كنزاً فأخرج منه الخمس و تصدق به فانزل الله و اعملوا أنما غنمتم) .

قال: فلا عبرة باستتار المال بالأرض بسبب الضياع ، بل يلحق باللقطه^١.

سوم: یکی از هفت موردی که به آن خمس تعلق می گیرد گنج است. کنوز جمع کنز که معنی گنجی می باشد در عبارات علماء آمده است رکاز از رکز می باشد به معنی خفاء و پنهان بدون اختلاف در آن. در کتاب الخلاف و حدائق و غیره به صراحت آمده است و بعضی از آنها با یک اضافه مثل المنتهی و بعضی دیگر مثل الخلاف و تذکره به قول اجماع هستند بر وجوب خمس درگنج . به دلیل دلالت آیه شریفه که دال بر خمس در غنیمت می باشد خصوصاً روایتی در الوسائل باب پنجم (آنچه که خمس بر آن واجب می شود) حضرت رسول به حضرت علی می فرماید: ای علی همانا عبدالمطلب سنت خمس را در دوران جاهلی رعایت می نمود و خداوند متعال این سنت را برای اسلام قرار داد تا اینکه فرمود : هرگاه گنجی را یافتید پس از پرداخت خمس و صدقه که در این رابطه آیه شریفه (و اعملوا انما غنمتم ... نازل می شود) و در آخر شرح جواهر آمده است : پیدا کردن مالی که در زمین گم شده است گنج محسوب نمی گردد بلکه آن لقطه (مال پیدا شده است) .

● سیر و سیاحت های پیامبر (ص) و یاران

^١ - شهید الثانی، زین الدین جیبی عاملی، مسالك الافهام، ١٤١٤، جلد ١/ ٤٥٩.

^٢ - جواهرالکلام، ١٣٦٥، ج ١٦/ ٢٤.

افزون بر سفرهایی که پیامبر(ص) پیش از بعثت داشت، پس از بعثت، با وجود انبوه مشکلات و کارهای سیاسی و اجتماعی، در فرصت های به دست آمده، مسلمانان را به گشت و گذار می برد، تا مردم از نزدیک با آفریده های خداوند و میراث امت های پیشین و رویدادهای گذشته آشنا شوند و برایمان و باورهای آنان افزوده گردد. از جمله: دیدار از وادی حجر: حجر، سرزمین قوم ثمود بود که از تمدن و دنیا بهره های شایان برده بودند. خداوند صالح پیامبر را در میانشان برانگیخت. آنان دستور خداوند را نافرمانی کردند و سرانجام عذاب الهی دامن گیرشان شد. اکنون، در یک منزلی وادی القری در حجاز، آثار بسیاری از تمدن از میان رفته باستانی وجود دارد که باستان شناسان آن را از بقایای قوم ثمود شمرده اند.^۱ سلمان و حذیفه در ایوان کسری: سلمان، از ایرانیانی بود عمر پیموده و کهن سال که سالها در پی حق و حقیقت سیاحت کرد. او در جست و جوی پیامبری که عیسی خبرش را به یاران داده بود، به شهرهای گوناگونی سفر کرد و استادان بسیاری را خدمت کرد، تا سرانجام به گمشده ی خود در مدینه دست یافت. این سیاحت ها سلمان را مردی دانا و رأیمند ساخت که سخنانش برای حکومت نوپای مسلمانان مغتنم بود. رایزنی سلمان در نبرد خندق در پیروزی مسلمانان بر نیروهای قریش موثر افتاد. سلمان پس از اسلام نیز، سیاحت را ترک نکرد. در روزگار فرمانروایی سلمان بر ایران، بایران، گاه و بیگاه سیاحت می کرد. کاخ های شاهان ساسانی از جاهایی بود که سلمان از آن دیدار می کرد. یکی دیگر از مکان هایی که سلمان از آن دیدن نمود ایوان کسری بود. سعد وقاص نیز از ایوان کسری دیدن کرده و در آنجا سخنانی در نکوهش دنیا بر زبان رانده است. ابوموسی اشعری نیز پس از پیامبر به وادی حجر سفر کرد. در پیرامون خرابه های ثمود و شرایط جغرافیایی آن مطالعه کرد. او خود در این باره گفته:

چون من به زمین ثمود رسیدم، آن راه که ناقه رفتی و باز نتوانستی آمد، به پیموادم. شصت گز بود.^۲

الف - سیرو سیاحت و عبرت آموزی از آثار باستانی از منظر معصومین (ع)

از راههای اثبات کردن حکم شرعی، سیره و رفتار معصومان است. همچنان که اگر پیامبر(ص) یا امامان در روایی یا ناروایی چیزی سخن بگویند، آن حکم حجت است، اگر معصومان کاری را انجام و یا ترک کنند این رفتار نیز دلیل بر جایز، یا حرام و یا مباح بودن آن کار است. مهمترین دلیل بر اثبات چیزی به واقعیت پیوستن آن است.^۳

دیدن نشانه های به جای مانده ی جباران و گردن کشانی مانند: فرعون و هامان و نمرود ... از دیگر هدف های گردش گران مسلمان بوده است. کسانی که به فرموده ی امیر مومنان (ع)، لشکرها ساخته و کاخ ها بنا کردند و اینک جز نامی زشت و مسکن هایی که از بی کسی جز بوم هم نوایی برایشان نمانده، هر رهگذری را به اندیشه وا می داشت و بی فرجامی شرک و ستم را به عیان نشان می داد.^۴

علی (ع) در سفر به صفین در عبور از مدائن، به دیدن کاخ کسری رفت. چندین گزارش از سفر علی (ع) به ثبت رسیده است.^۵

پیامبر اسلام فرمود: نگاه کردن به سیمای برادرم علی ابن ابیطالب و ذکر او عبادت است و پذیرفته نمی شود مگر با ولایت او و دوری از دشمنان او.

۱ - دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۴۸، ج ۷ / ۳۱۹.

۲ - جرجانی، ابوالمحاسن، تفسیر جلاء الاذهان، ۱۴۲۲، ج ۳ / ۲۰۲.

۳ - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۱۴۰۳، ج ۴ / ۳۰۴.

۴ - نهج البلاغه، خطبه ۸۲.

۵ - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۱۴۰۳، ج ۴۱: ۲۱۲، ج ۷۳ / ۲۷۵.

امام رضا (ع) در مسیر سفر از مدینه به خراسان، آثار و نشانه های بسیاری از خود به جای گذاشت پیروان اهل بیت، به ویژه مردم ایران برای یادبود امام در مناطق عبور حضرت، یادمان و قدمگاه هایی را برپای داشتند و به دیدن جاهای گذر امام می آمدند.

امام در نیشابور در منطقه ی کهلان، در چشمه ای غسل کرد، شیعیان از آن روز تا دوره ی شیخ صدوق، هنگام گزارش خبر، از آن چشمه بازدید می کردند!

*- ایوان مدائن: از روزگار بازدید علی (ع) از مدائن و نماز گزاردن آن حضرت در ایوان کسری، این نقطه مورد توجه مسلمانان، به ویژه شیعیان بود و مسلمانان در عبور از عراق، از مدائن بازدید می کردند. در زمان امام صادق (ع) نیز این رویه رایج بود. در ماجرای بنای بغداد، منصور دوانیقی قصد آن کرد که ابزار و لوازم مدائن را به بغداد منتقل کند و با سنگ و آجر و چوب های آن، مدینه السلام را بنا کند، خالد بن برمک او را از این کار بازداشت. خالد سه دلیل برای مخالفت خود آورد:

علی بن ابی طالب (ع) در ایوان مدائن نماز گزارده است. زیان خراب کردن آن، بیش از سود آن است. منصور به خالد گفت: تو به سوی ایرانیان گرایش داری، سپس بدون توجه به افکار عمومی به خراب کردن آن مشغول شد. چون یک سوم آن را از میان برد، متوجه گفته ی خالد شد و از آن کار بازداشت.

*- دیدن از برائا: برائا قریه ای بود قدیمی در غرب بغداد، که آوازه آن به پیش از اسلام می رسید. برائا پیش از اسلام جایگاه عبادت مومنان بوده و بزرگانی چون ابراهیم خلیل و عیسی و مادرش مریم (ع) در آن جایگاه تردد داشته اند.

منابع شیعی و سنی حکایت از آن دارد که علی (ع) در بازگشت از نبرد نهروان در سال ۳۷ هـ.ق. در نزدیکی برائا در حمامی غسل کرده و در آن نماز خوانده است.^۱

همچنین می فرماید: «وبقی قصص اخبارهم فی کم عبره للمعتبرین منک» و برای عبرت گرفتن پند گیرندگان شما، داستان سرگذشت های آنان در میان شما باقی ماند.^۲

قال رسول اله: «أَلَا لِنَظَرُ إِلَى أَخِي عَلِيٍّ ابْنِ أَبِيطَالِبٍ عِبَادَةٌ وَ ذِكْرُهُ عِبَادَةٌ وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِيْمَانَ عَبْدٍ أَلَا بِوِلَايَتِهِ وَ الْبِرَائَةِ مِنْ أَعْدَائِهِ.»^۳

* - بازدید از شهری در مغرب: در زمان امام سجاد (ع)، موسی بن نصیر عبیدی، کارگزار عبد الملک مروان در اندلس، به عبد الملک گزارش کرد که مردم این جا از شهری باستانی گفت و گو می کنند که در این منطقه وجود دارد و می گویند به دست سلیمان بن داود بنا شده و آثار بسیاری از گذشتگان در آن دیده می شود. من علاقمند دیدن این شهرم، ولی این سفر نیازمند هزینه های بسیار است. عبد الملک فرستاده ای به مغرب فرستاد تا همراه موسی از آن شهر بازدید کنند. موسی از آن شهر دیدن کرد و شگفتی هایی در آن دید. بر یکی از دیوارهای آن شهر اشعاری به زبان عربی دید که از آمدن نجات بخش بشریت در آخر الزمان خبر می داد. زهری آن سخن ها را با امام سجاد (ع) مطرح ساخت. امام (ع) فرمود: مقصود از آن مهدی است.^۴

۱ - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۱۴۰۳، ج ۴۹ / ۱۲۳ .

۲ - قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم والاثار، ۱۴۱۳، ج ۱ / ۲۵۹ .

۳ - نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

۴ - محمد ابن سلیمان کوفی، مناقب، جلد ۲ / ۱۴۱۲ - ۲۶۱.

۵ - همان، ج ۵۱ / ۱۶۵.

*- مسجد سهله: مسجد سهله در کوفه از مناطق باستانی بوده که امامان و بسیاری از ابرار از آن دیدار کرده اند. امام صادق (ع) درباره ی این مکان فرموده است: مسجد سهله، مکان استراحت ادريس پیامبر(ص) بوده و ابراهيم (ع) از آنجا آهنگ مبارزه با عمالقه کرده است و داود از آنجا به جنگ جالوت رفته است. در مسجد سهله سنگی وجود دارد که تصویر همه ی پیامبران بر آن نقش بسته است!

*- شهر باستانی تدمر: تدمر شهری باستانی در سوریه ی فعلی بوده است که با امپراطوری روم روابط نزدیکی داشته و قرار گرفتن آن بر راه تجاری و . . . آنرا ثروت مند و با شکوه کرد. این شهر پیش از اسلام، بر اثر حوادثی رونق خود را از دست داده بود و سرانجام به تصرف مسلمانان در آمد و آثار فراوان از حجاری ها و مجسمه ها و بناهای شگفت که حاکی از عظمت بر باد رفته ی آن بود، برای مشاهده ی مردم، دست نخورده باقی گذاشته شد!

مرحوم علامه ی مجلسی احتمال داده است آن مرد علوی امام کاظم (ع) بوده باشد که به تدمر رفته و آن شکوائیه را در ستم حاکمان از خود به یادگار نهاده است.^۳ - خورنق و سدیر: خورنق، قصری بود در کنار حیره ، روبه روی رود فرات که نعمان بن امراء القیس آن را برای اقامت بهرام گور، پسر یزدگرد بنا کرد. نعمان در پایان، سازنده آن را از بین برد که در بین عرب ضرب المثل شد. این قصر که در شکوه و زیبایی بی مانند بود، در روزگار نعمان دوران عزت و اقتدار خود را می گذراند، ولی سرانجام ساکنان آن مورد خشم شاهان ایران قرار گرفتند و از میان رفتند و آن بناها به ویرانه تبدیل شد. در دوره ی اسلام، مسلمانان برای سیاحت و عبرت از تاریخ، گاه و بیگاه به آن سر می زند و ناپایداری جهان ستم را با چشم می دیدند.

یکی از صالحان گفت: مرا به کوفه شغلی بود. به خورنق و سدیر بگذشتیم، سراهای نعمان بن منذر را دیدم، همه خراب گشته و از آن جز اطلال و رسوم چیزی دیگر نمانده، ساعتی برای اعتبار در آنجا توقف کردم. آنگاه گفتم: این سکانک این جیرانک، این قطانک^۴ - اهرام مصر: گفت و گو از شگفتی ها و دیدن چیزهای شگفت انگیز، همواره از مسائل مورد علاقه ی مردم بوده و مسلمانان در محافل خود از دیدنی ها و شنیده های شگفت انگیز برای یکدیگر تعریف می کردند.^۵

مامون عباسی از افرادی بود که بدین کار رغبت داشت. او به مصر سفر کرد و فرمان داد در پیرامون اهرام نقب زنند. افراد پس از تلاش بسیار موفق شدند به بخشی از آن دست پیدا کنند. در آنجا خانه هایی بزرگ یافتند که جنازه هایی را در خود جای داده بود.^۶

* - بازدید از آرامگاه اصحاب رقیم: در قرآن کریم از اصحاب رقیم به بزرگی یاد شده و در روایات اسلامی درباره ی آنان برای مردم گفت و گو شده است. در دوره عباسیان چنین شهرت یافته بود که اصحاب رقیم در سرزمین روم قرار دارند.

واثق با... ، محمد بن موسی خوارزمی ستاره شناس را با عده ای به بیزانس فرستاد تا درباره ی محل غاری که می گویند اصحاب رقیم در آن جا مدفون شده اند، تحقیق کند و خوارزمی به سرزمین روم رفت و همراه راه بلد هایی که بزرگ روم با او همراه کرده بود، به کوهی که اصحاب رقیم در آنجا بودند، رفت و پیرامون جسدهایی که به عنوان

۱ - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۱۴۰۳، ج ۱۱ / ۵۷.

۲ - بستانی ، پطرس، دانه المعارف بستانی، ج ۶، ۱۳۹۴ / ۷۹.

۳ - مجلسی، محمدباقر ، بحار الانوار ، ۱۴۰۳، ج ۴۸ / ۱۸۱.

۴ - جرجانی، ابوالمحاسن ، تفسیر جلاء الاذهان، ۱۳۷۸، ج ۵ / ۳۸۵-۳۸۶.

۵ - جلال الدین سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المائور، ۱۴۰۴، ج ۳ / ۹۷.

۶ - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار ، ۱۴۰۳، ج ۵۷ / ۲۴۰.

اصحاب رقیم به او نشان دادند، تحقیق کرد. این قبرها در روستای خرمة، میان عموریه و نیقیه قرار داشتند.^۱ * - آثار ذوالقرنین: در قرآن کریم و روایات اسلامی از ذوالقرنین بسیار یاد شده است. قرآن از او چنین یاد کرده که در سیاحت خود، در نقطه ای از جهان برای جلوگیری از تجاوز اقوامی مهاجم، به نام یاجوج و ماجوج به مردمان مجاور خود، سدی پولادین ساخت.

در این که آن سد کجاست و آیا هم اکنون وجود دارد، همواره میان مسلمانان گفت و گو بوده است و نیز در این که آیا ذوالقرنین همان اسکندرمقدونی است، یا خیر و این که سرزمین تاریک در کجاست، موضوع بحث افراد کنجکاو بوده است.

در دوره ی امویان، مسلمة بن عبد الملک بن مروان در روزگار حکومت برادرش یزید بن عبد الملک، فرمانده سپاه بود و با رومیان نبرد کرد. او در نبردهای خود به نقطه ای از زمین تاریک که گمان می برد همان ظلمت اسکندریا ذوالقرنین است، رسید و سعی کرد راز آن تاریکی را بازگشاید. گویند به سبب خاموش شدن مشعلی که همراه داشت، از این کار دست کشید.^۲

واثق با...، برای تحقیق درباره ی سد یاجوج و ماجوج، شخصی به نام سلّام ترجمان را با پنجاه جوان قوی و مخارج هنگفت به منطقه ی دربند و خزر فرستاد. آنان در سفری دراز که ۲۸ ماه طول کشید، در بازگشت، از سدی پولادین و مردمانی به نام یاجوج و ماجوج خبر دادند و تکه ای از بنای آن سد را به عنوان نمونه برای واثق باز آوردند.^۳

● نتیجه گیری

از مطالب فوق متوجه می شویم که اولاً معصومین، دیگران را به عبرت آموزی از آثار تاریخی و باقیمانده طاغوت فرا می خوانند و ثانیاً با وجود آنکه این آثار مربوط به طاغوتیان بوده، نسبت به تخریب آنها مطلبی نمی فرمایند چرا که آثار باقیمانده با پول مردم و دسترنج معماران زبردست و هنرمندان بزرگ ساخته شده و حفظ این آثار برای عبرت و تجربه دیگران مورد توجه صالحان بوده است.

وظیفه حقوق در هر جامعه تنظیم روابط میان مردم از طریق تدوین قواعد و مقررات می باشد. حقوق زمانی کارایی می یابد که از طرف همگان به خوبی رعایت گردد و در صورت عدم رعایت، دارای ضمان اجرای موثر باشد. مسئله مذکور در حقوق کیفری به صورت بارزتری مطرح می باشد. زیرا رسالت اصلی حقوق کیفری ضمانت اجرایی قوانین و مقررات در قالب «مجازات» می باشد. حقوق کیفری میراث فرهنگی نیز نباید از این قاعده مستثنی باشد.

اهمیت میراث فرهنگی بر هیچ کسی پوشیده نیست بطوریکه بزرگان صدر اسلام و فقها به ارزش آن واقف بودند و هستند در این رابطه امام علی (علیه السلام) در نامه ای به فرزندش می نویسد: «فرزندم! من اگر در تمام طول تاریخ، همراه گذشتگان زندگی نداشته ام ولی اخبار آنها را به دقت مطالعه کردم و آثاری که از آنها به یادگار مانده بررسی نمودم و با این کار گویا من در تمام این مدت زنده بوده ام و حوادث تلخ و شیرین زندگانی را هم از نزدیک با آنها دیده ام»، این دال بر توجه خاص امام (ع) و ارزش دادن به میراث فرهنگی می باشد همچنین فقها و آیات عظام با

^۱ - اصطخری، ابراهیم بن محمد، المسالك و الممالک، ۱۳۶۸ / ۸۳.

^۲ - زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، ۱۳۹۱ / ۳۷.

^۳ - همان: ۱۴۵.

توجه به اهمیت میراث فرهنگی - تاریخی قوانینی را که مقنن وضع می نماید باید جنبه بازدارندگی آن بر سایر جنبه ها غلبه داشته باشد و احساسی در هر فرد جامعه به وجود آورد که لطمه زدن به این آثار مستوجب مجازات شدیدی می باشد اما قوانینی که تاکنون در این زمینه وضع گردیده اند در قوانین حقوقی ایران دارای قدرت بازدارندگی به حدی که مانع ارتکاب جرم شود؛ نمی باشد. ضعف حقوق کیفری میراث فرهنگی دارای عللی است که ضعف قانونگذاری، آموزش و اجرای قوانین از مهمترین علل به شمار می روند.

فقه غنی اسلام در پاسخ گویی به مسائل مستحدثه ای از قبیل حراست و حفاظت از آثار فرهنگی که در پاره ای موارد با محدود شدن حقوق مالکین این آثار ملازمه دارد، نیز راه حل هم دارد. به نظر می رسد در ارتباط با این موضوع دو نظریه قابل طرح است.

۱- اگرچه مالکیت و سلطه اشخاص نسبت به اموال مطلق است ولی اگر نحوه استفاده ی مالک باعث اضرار به غیر (که در اینجا ضرر به فرهنگ جامعه مقصود است) گردد به لحاظ دفع ضرر بزرگتر، این حق محدود می شود. مبنای این قاعده که در فقه تحت عنوان تعارض قاعده لاضرر و تسلیط مطرح شده است بدین صورت است که: در مواردی اقدامات مالکان باعث لطمه به آثار فرهنگی و نتیجتاً لطمه به فرهنگ ملی و بشری می شود. برای دفع این ضرر عظیم ضروری است که حق مالکیت مالکین محدود گشته و برای تخلف از این محدودیت ها ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته شود. این نظریه مبتنی بر نوعی توسعه در مفهوم ضرر است که به نظر می رسد منطبق با فقه پویا و تحولات زندگی بشر و توجه به اهمیت آثار باستانی و نقش این آثار در حفظ هویت و تاریخ مردم یک جامعه می باشد.

۲- مصلحت اجتماعی بلکه مصلحت بشری ایجاب می کند که آثار فرهنگی مورد حراست و حفاظت قرار گیرد. رعایت این مصلحت در پاره ای از موارد با حقوق خصوصی اشخاص تزاخم پیدا می کند که در عمل بایستی مصالح اجتماعی را بر مصالح و حقوق فردی ترجیح داد. این مصالح مبناء احکام حکومتی را تشکیل می دهند. صاحب نظران مسائل فقهی در خصوص این احکام و تعارض آنها با احکام فردی اعتقاد دارند، احکام حکومتی بر مبنای مصالح اجتماعی تنظیم یافته است، بنابراین چنانچه با احکام فردی مزاحمتی نداشته باشند هیچگونه محذوری پیش نمی آید. اما در صورت تزاخم این احکام با احکام فردی نظر به اینکه این احکام معمولاً بر مبنای مصلحت اهم بر قرار شده اند، مثلاً برای حفظ اصل بقایای کشور اسلامی، بالارفتن فرهنگ عمومی، مسایلمن و مسایل عمومی بسیار دیگر بدون شک بر احکام فردی تقدم داشته و چه بسا به طور موقت یا غیرموقت موجب موقوف الاجرا شدن آن می گردد.

به هر حال ضرورت حفظ آثار ملی و پیشگیری از خطرانی که اینگونه آثار را تهدید می کند باعث شد که شورای نگهبان در نهایت با تأیید قانون مجازات اسلامی از جمله ماده ۵۶۹ آن از نظریه خود تا حدودی عدول نمود.

در رابطه با آثار تاریخی فرهنگی نیز چنانچه تصرف مالک این آثار در ملک خود باعث ضرر به دیگری شود و از عدم تصرف مالک نفعی عاید مالک نمی شود یا در صورتی که تصرف و عدم تصرف برای او یکسان باشد، طبق نظر فقها قاعده ی لاضرر بر قاعده تسلیط حاکم است و مالک نمی تواند تصرفاتی در ملک خود انجام دهد که مستلزم ضرر به دیگری گردد.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- اصطخری، ابراهیم بن محمد. (۱۳۷۴). *المسالک و الممالک*، ترجمه ایرج افشار، چاپ سوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- انصاری، جمال. (۱۳۸۷). *باستان شناسی ایران و جهان*، تهران: انتشارات سبحان نور .
- جعفری لنگرودی. (۱۳۸۰). *محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق*، چ ۸، تهران: انتشارات گنج دانش.
- جرجانی، ابوالحسن. (۱۳۷۸). *تفسیر جلاء الاذهان*، معروف به تفسیر گازر، ج ۵، تهران: انتشارات مهرآیین.
- حجت، مهدی. (۱۳۸۰). *میراث فرهنگی در ایران سیاست ها برای یک کشور اسلامی*، چ ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- خلیلیان، علی محمد. (۱۳۷۵). *مجله میراث فرهنگی، چاپ سازمان میراث فرهنگی، اموال فرهنگی در گستره تاریخ معاصر*، شماره ۱۶.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). *لغت نامه دهخدا*، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رحیمی نیا، مصطفی. (۱۳۶۷). *فرهنگ جامع عربی فارسی*، چ ۱، تهران: انتشارات بدیهه.
- روح الامینی، محمود. (۱۳۸۲). *مجله موزه ها، سازمان میراث فرهنگی کشور*، شماره ۲۲۰.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۹۱). *کارنامه اسلام*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سنایی، مهدی؛ شعیب، بهمن. (۱۳۸۹). *احیای تمدن ایرانی اسلامی*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی دفتر گسترش تولید علم.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴). *الدار المنثور فی تفسیر المائور*، بیروت: دارالکتب.
- شهید الثانی، (زین الدین بن علی بن احمد الجبعی العاملی). (۱۴۱۴). *مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۱، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه .
- شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی. (۱۴۰۴). *من لا یحضره الفقیه*، جلد ۲، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم .
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴). *الخلاص*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۵). *تهذیب الاحکام*، جلد ۴، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- صاحب جواهر، محمد بن حسن. (۱۳۶۵). *جواهر الکلام*، ج ۱۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- صفاران، الیاس. (۱۳۸۲). *مقدمه ای بر باستان شناسی*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علامه مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- عمید، حسن. (۱۳۶۱). *فرهنگ فارسی عمید*، چ ۱۷، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- فیروزی، زینب. (۱۳۹۲). نشریه: فرهنگ و پژوهش، حقوق میراث فرهنگی و تکالیف اشخاص در قبال آن، شماره ۱۳۹.

- قمی، عباس. (۱۴۱۳). سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، قم: دارالاسوه.

- کریمیان سردشتی، نادر. (۱۳۷۶). مجله موزه ها، سازمان میراث فرهنگی، گنجینه یا موزه، شماره ۱۸ و ۱۹، ۱۳۷۶.

- کرباسی، کلود. (۱۳۶۵). اداره کل موزه ها و وزارت ارشاد اسلامی، موزه از دایره المعارف بریتانیکا، شماره ۳ و ۴.

- محمد بن سلیمان کوفی. (۱۴۱۲). مناقب امیرالمؤمنین، جلد ۲، قم: انتشارات مجتمع فرهنگی قم.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۳). تاریخ حقوق کیفری بین النهرین، چ ۱، تهران: انتشارات سمت.

سایت ها

- www.chn.ir سایت سازمان میراث فرهنگی.

- سایت پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور [http:// www.ghavanin.com](http://www.ghavanin.com)

- (سایت حقوق ایران www.irbar.com).

- استفتاء از دقتر آیات عظام <http://www.tebyen.net/newindex.aspx?pid>

- <http://www.tebyan.net/newindx.aspx?>

- (انگیزه گروهک تروریستی داعش از تخریب آثارباستانی سوریه و عراق). [www.mizanonline.ir/ fa/](http://www.mizanonline.ir/fa/)

- (آثارباستانی درمنظر قرآن). andishehonline.ir/tag/